

موضوع:

نقش خانواده در توسعه فرهنگ اقامه نماز

گردآورندگان:

۱- رویا منتظری (عضو علمی دانشگاه پیام نور استان گیلان مرکز تالش)

۲- سولماز آوریده (عضو علمی دانشگاه پیام نور استان گیلان واحد شفت)

فهرست

۱ چکیده	۱-۱
۲ مقدمه	۲-۲
۳ ارزش خانواده در تفکر اسلامی	۳-۳
۴ نقش خانواده در گرایش کودکان و نوجوانان به نماز	۴-۴
۶ نقش زن در گرایش خانواده به نماز	۶-۵
۷ خانواده و اصول آموزش نماز	۷-۶
۸ استفاده از انرژی مثبت درون خانواده	۸-۶-۱
۸ تناسب پیام و انتظار با شرایط سنی فرزند	۸-۶-۲
۹ رعایت استمرار و مداومت	۹-۶-۳
۹ ارتباط خانه و مدرسه	۹-۶-۴
۹ رعایت اعتدال	۹-۶-۵
۹ عکس العمل های مناسب در قبال رفتارهای دینی فرزند	۹-۶-۶
۱۰ روش های موثر	۱۰-۷
۱۰ روش الگویی	۱۰-۷-۱
۱۰ فضاسازی معنوی	۱۰-۷-۲
۱۱ پاسخ به کنجکاوی های کودک به عنوان یک فرصت	۱۱-۷-۳
۱۱ حضور در مجامع و محافل نماز	۱۱-۷-۴
۱۲ ایجاد ارتباط بین زیبایی و نماز	۱۲-۷-۵
۱۲ نتیجه گیری	۱۲
۱۳ پیشنهادات	۱۳
۱۵ منابع	۱۵

چکیده

محیط خانواده اولین محیط اجتماعی است که فرزند تجربه می کند. او از اعضای خانواده به ویژه پدر و مادر بیشترین تأثیر را می پذیرد زیرا حمایت پدر و مادر خود را تجربه کرده است و همواره دیده است آنان، ضعف های جسمی او را جبران می کنند و تغذیه و پرورش او را از روی مهر و شفقت انجام می دهند. این تجربه ها موجب اطمینان او نسبت به آنها می شود و این اطمینان باعث تأثیر پذیری فرزند از پدر و مادر می گردد. اگر پدر و مادر در این زمان عقاید صحیح را به او بیاموزند، قلب نیالوده او آن را می پذیرد و عادات لازم و متناسب با عقاید صحیح را می یابد.

امیرالمؤمنین (ع) خطاب به فرزند خویش می فرماید: پس به ادب آموختن پرداختم پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت به تصرف هوای دیگر در آید. در بهار زندگی که نیتی پاک و نهادی نیالوده داری نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تأویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم.

آن چه باید بدان عنایتی ویژه داشت، این است که والدین در خانواده در انجام عبادت نقش الگویی دارند. اگر پدر و مادری در طریق حق گام بردارند و به عبادت خدا پردازند، فرزندان نیز از والدین خویش الهام گرفته و آنان نیز معمولاً در همان طریق گام می نهند. پس بدین ترتیب مشی و روش انجام عبادت توسط والدین در معرض دید فرزندان قرار می گیرد و یافته ها حکایت از آن دارد که در خانواده هایی که والدین نمازگزارند، فرزندان آن ها بیش تر به عبادت و نماز روی می آورند و اگر نماز نخوانند و در انجام عبادت کاهل باشند، فرزندان خویش را به کاهل بودن در نماز سوق می دهند. آنان باید از پیامبر (ص) الهام بگیرند که به نماز می ایستاد و در مسجد هم اهل بیت به ایشان اقتدا می کردند و هم دیگران. در آنجا که مسجد نیست، برپاداشتن نمازجماعت در خانواده توصیه شده است..

باید باور کنیم که غذای روحی کودکان و اکسیژن جان آنان و خوشبختی و آخرتشان به رابطه آنها با آفریدگار مهربان بستگی دارد، پس با دلسوزی و صبر به دنبال راه های جدید، بیان های جذاب، ابتکار در طرح مسئله و شیوه های مناسب دعوت به نماز باشیم و این هنری است که خانواده باید متناسب با نیازمندی های سنی افراد فرهنگ سازی کند؛ زیرا نیایش نیاز درونی انسان است و باید متناسب با رغبت های فراگیران جستجو کرده و براساس آن اقدام کند در چنین صورتی نماز نماد باشکوه نیایش و فرهنگ غالب تمامی جوانان، مردان و زنان و خانواده خواهد بود.

پس اگر پدر و مادر الگویی از عبادت باشند و فرزندان به آن ها تأسی کنند، می توانند از کودکی اندوخته ای از مستحبات و معنویات را فراهم آورند. زیرا باید دانست که فرزندان بسی هشیارند و نسبت به رفتارهای والدین دقت و نظارت دارند.

مقدمه

انسان در جستجوی نامتناهی است و این میل نشانه بارزی است از یک وجود نامتناهی. انسان در هر امری سراغ نامتناهی می رود و نامتناهی حقیقی خداست. وقتی انسان سجاده ای می افکند و به نماز می ایستد در حقیقت در مقابل آن نامتناهی سجده می کند، در برابر حیات نامتناهی، زیبای نامتناهی، علم نامتناهی و قدرت نامتناهی که در این دنیا پیدا نمی کند. سرگشتگی همه در دنیا به علت آن است که نیازهای نامتناهی را سراغ امر متناهی برده اند و آن «معیشت ضنک» (۱) که قرآن می فرماید تجلی همین سرگشتگی است. همان سردرگمی انسان غربی که با همه ترقیات و کشف ستاره ها و ماه و سفر به فضا باز به آن مبتلاست. این همه بیماری ها و گرفتاری ها نیز برای این است که از این نامتناهی حقیقی غافلند و آن میل نامتناهی را متوجه امر محدود کرده اند.

نماز پرواز گاه روح، جویبار تطهیرکننده قلب، روشنایی چشم عارفان، تکیه گاه مطمئن سالکان و رهپویان و پشتوانه آرامش و تسکین روان انسان است. نماز به قدری فضیلت دارد که حتی زمانی که پیامبر (ص) صاحب کوثر شد، برای تشکر و قدردانی از خداوند متعال، راهی را جهت شکرگزاری از او طلبید. خداوند فرمود: نخست نماز بخوان و بعد از آن قربانی کن و به مستمندان ده.

فرصت نمازگزاردن، بهشتی است که انسان برای اعتلا و انبساط درون خویش می آفریند. آسمانی است که پذیرای بال های پرواز می باشد و کشتی نجاتی است که از موج خیز حادثه ها به ساحل فلاح و سلامت می رساند. گسترش فرهنگ نماز، تضمین مصونیت، تعالی و بندگی و همدلی و یگانگی جامعه است. (۲)

تربیت سالم کودکان و نوجوانان هدف نهایی والدین است. در جامعه اسلامی انجام فریض دینی از جمله نماز در فرایند اجتماعی شدن مذهبی کودکان و نوجوانان نقش عمدهای دارد. جامعه اسلامی بر اساس عقیده و ایدئولوژی استوار است که از روح مذهب سرچشمه گرفته است و نماز نه تنها در تکوین شخصیت بلکه در ربطه اعضای خانواده، رابطه با دوستان و شبکه روابط موجود در جامعه اهمیت زیادی دارد و بدین ترتیب افراد جامعه شخصیت پرتوان مذهبی پیدا می کنند و در سالم سازی محیط اجتماعی نقش موثری ایفا می کنند.

در جهان مادی امروز که نهاد خانواده در حال اضمحلال توسط فساد و فحشاء است بزرگترین دغدغه های خانواده ها برای نجات فرزندانیشان از این منجلاب فساد و فحشاءست و قرآن این کتاب زندگی بشر سالها پیش از این راه نجات را بیان کرده است؛ «اتل ما اوحی الیک من الکتاب واقم الصلاه ان الصلاه تنهی عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر والله یعلم ما تصنعون؛ هر چه را از این کتاب بر تو وحی شده است تلاوت کن و نماز بگذار، که نماز آدمی را از فحشا و منکر باز می دارد و ذکر خدا بزرگ تر است و خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.» همانطور که در روایات نیز وارد شده است هنگامی که فرزندی به دنیا می آید مستحب است در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفته شود چراکه این عمل باعث می شود انسان از کودکی با نماز آشنا شود و بنابراین از شر شیطان در امان باشد؛ کم نیستند اینگونه احادیث که بر آموزش نماز به کودکان تاکید دارند؛ در این میان باید دید که چگونه می توان این فریضه الهی را که به گفته مقام معظم رهبری نیاز آدمی و دریچه ای است که هوای پاک آزادی را از عالم معنا به ما می رساند و دل را از آلودگی و بیخبری می رهااند را به گونه ای در خانواده ها نهادینه کرد که پیوند نماز و خانواده پیوندی ناگسستنی باشد

آموزش نماز و پرورش روحیه مذهبی مناسب برای اقامه آن، ابتدا از خانواده شروع می شود و خانواده نقش مهمی در انتقال فرهنگ نماز از خود بروز می دهد. آنچه در مورد فرزند در گرایش به نماز مهم است، وجود انگیزه است، و آنچه در تربیت

و آموزش نماز اهمیت دارد، رسوخ روح معنوی نماز به اعماق دل اوست، نه تحمیل فرم و قالب به او. زمانی آموزش نماز به توفیق می انجامد و قرین موفقیت می گردد که با احساس خوشایندی همراه باشد.

الگو بودن خانواده در کودک اثرگذار است. زیرا طفل در آن محیط چشم به دنیا می گشاید، شرایط گذران خانواده را می بیند و بر اساس آن راه عمل را می آموزد. ضمن آنکه خانواده مرکز مهر و انضباط است و از نظر علمی به هنگامی که مهر و انضباط در هم می آمیزند، در آن صورت معجزه تربیت و تنفیذها اتفاق می افتد. شکی نیست که هر یک از زن و مرد بر اساس تقسیم وظایف و مسئولیتها کار و برنامه خود را انجام می دهند و هر کدام به نسبتی تاثیر خود را برجای می گذارد. ولی در امر هدایت و اثر گذاری در نسل، نقش زن به مراتب بیشتر از نقش مرد است زیرا زن به مناسبت دائمی بودن روابطش با فرزندان، مهرورزی و محبت بیشتر به آنان، رفع نیاز آنها، دفاع از آنان در برابر جنبه های فشار پدر یا دیگران، حتی از خود گذشتگی و به آنها رسیدن و بالاخره از نظر آثار خلق و خوی وراثتی، بیشتر از پدر می تواند در فرزندان موثر باشد.

بنابراین اگر در محیط خانواده، فرهنگ نماز گسترش و ژرفا یابد، اگر ترنم نماز فضای خانواده را معطر و متبرک سازد، اگر کودکان و فرزندان، پدر و مادر را مقید و معتقد به نماز ببینند، بی هیچ تردید آنان نیز الگوی خویش را از خانواده خواهند گرفت و انس و الفت با نماز خواهند یافت که ره آورد آن پرهیز از منکر و فحشا و گریز از آلودگی و همسایگی با پاکی و تهذیب و صفا و صداقت خواهد بود. (۳)

ارزش خانواده در تفکر اسلامی

خانواده در تفکر اسلامی جایگاهی بسیار رفیع دارد. اسلام آیین الهی و مقدسی است که برای خانواده اهمیت فراوان قائل است و آن را سنگ بنای مهم حیات اجتماعی می شناسد. اسلام وحدت جامعه را از وحدت زوجین و وحدت اعضا خانواده می شناسد و علائق انسانی موجود در خانواده را قابل گسترش و نشر در جامعه به حساب می آورد. اسلام معتقد است برای اینکه جامعه ها تحت ضابطه در آیند چاره ای جز این نیست که نخست خانواده تحت ضابطه در آید و هر گونه نظم و سازندگی باید از خانواده آغاز گردد و دامنه سازندگی و گسترش به جامعه کشانده شود و حیات اجتماعی تحت نظم و ضابطه در آید. اسلام خانواده را کانون اخلاقی جامعه می داند. نوع تربیت و ارتباطات موجود در خانواده موجب وحدت و منش اجتماعی است. همچنین خانواده را مرکزی سرنوشت ساز در جنبه انحراف و عصیان ذکر کرده اند و از آن جهت که کودک پستی ها و دنائت ها را در آنجا تجربه کرده و آموخته است. صفات اجتماعی کودک برخاسته از خانواده است.

اسلام خواستار نسلی است سالم، پاک و عفیف و موجد افتخار برای جامعه انسانی. چنین نسلی جز در دامن خانواده سالم نمی تواند تربیت شود. وظیفه ای که خانواده در قبال تربیت فرد دارد و نقش مهمی که در این زمینه ایفا می کند در واقع به وظیفه او در قبال تربیت جامعه پیوند می خورد. بر این اساس اسلام با مد نظر قرار دادن تأثیرات خانواده در تربیت فرزندان، سلامت اجتماع را در گروی خانواده سالم می داند. خانواده علاوه بر رشد و شکوفایی فرزندان، تربیت سالمی را که همسران از یکدیگر دریافت می دارند را نیز از نظر دور نگه نمی دارد. خانواده سالم چارچوب امنی برای همسر و فرزندان آنهاست. این چارچوب گسترش یافته چارچوب امن جامعه را فراهم می سازد.

اگر موضوع خانواده در اسلام را با سایر اموری که مشابه این مقوله است مقایسه کنیم برجستگی خاصی در مسئله خانواده ملاحظه می‌کنیم که بعضی از آنها مهم و بعضی مهمتر هستند. اما گاهی اموری وجود دارند که واژه‌ای مهم نیز برای آنها کفایت نمی‌کند و باید به دنبال ادبیات دیگری برای بیان عظمت آنها بود از جمله این موضوعات، موضوع “خانواده” است. خانواده به چند دلیل دارای اهمیت است یک دلیل آنکه اصولاً کل وجود آدمی از درون خانواده ریشه گرفته و در آن تکوین می‌یابد، به بیان دیگر، پیمانه‌های وجود آدمی در خانواده شکل می‌گیرد و همه تاثیرات بیرونی در محدوده این پیمانه تحقق پیدا می‌کند دلیل دیگر این است که می‌بینیم آغاز خلقت انسان با خانواده شروع شده است آیا سر این قضیه این نیست که خانواده رکن عالم هستی است؟ آیا این امر بدان معنا نیست که خانواده، رکن عالم هستی است و به کل هستی جهت می‌دهد؟ (۴)

خانواده، منظومه‌ای متشکل از زن و مرد و فرزندان است که سلسله روابط عمیق روحی، عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان آنان جاری است و با هدف رفع نیاز و کسب آرامش در حیطه روابط بالا و تولید و تربیت نسل، به حیات خود ادامه می‌دهد.

در حقیقت خانواده مهمترین جایگاه پرورش نیروی انسانی و محیطی مناسب برای رشد اعضای خود به شمار می‌رود و با رشد اعضای خانواده است که اجتماع رشد می‌کند.

خانواده آرامشگاه همسران و طبیعی‌ترین بستر رشد و شکوفایی و تعالی آدمی است. پس خانواده کانونی است که در آن ارزش‌های اخلاقی، باورهای دینی و معیارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و زمینه رشد عاطفی و تربیت اخلاقی و اجتماعی اعضای خانواده را فراهم می‌کند. یکی از راه‌های رسیدن به استحکام خانواده در تفکر اسلامی داشتن اقتدار عاطفی و منطقی و برخورداری والدین از بصیرت و بینش اجتماعی است. آگاهی‌های مستمری که می‌تواند ضامن رشد مطلوب شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان شود و در این صورت است که زمینه رشد اعتقادی و پایبند کردن آنان به ارزش‌های عبادی و انجام فریضه‌ها در چنین خانواده‌هایی به راحتی قابل طرح و اجراء است (۵). در محیط خانواده‌ای که اعضای آن متعبد هستند فضای آرام حاکم بوده و اعضای آن از اعتماد به نفس بالایی برخوردار هستند. جمع این‌گونه خانواده‌ها همچون ظروف مرتبط هستند که به هنگام کسر شدن یکی از آنها دیگر ظروف جای خالی آن را پر می‌کند. بدون اینکه ضرر یا وقفه‌ای در مجموعه ایجاد شود. خانواده در یک نگاه تحلیلی مرکب از قول، فعل، صدق و صفاست.

به عبارتی والدین یا با قولشان یا با فعلشان و یا با صدقشان، فضایی را شکل می‌دهند تا فرزندان را تربیت کنند.

نقش خانواده در گرایش کودکان و نوجوانان به نماز

کودک در خانه به دنیا می‌آید و اولین کسی که با او ارتباط مستمر برقرار می‌کند، مادر و سپس پدر و سایر اعضای خانواده‌اند. نوع اعتقادات و ملاک و معیارهای اخلاقی، خلقی و دینی از والدین به کودک منتقل می‌گردد. کودک نظرات دینی و اعتقادی خانواده‌اش را می‌پذیرد. ایمان دوره کودکی با همه پاکی و صفایش این نقیصه را دارد که از آگاهی قوام با تجزیه و تحلیل، سرچشمه نگرفته است؛ بلکه بیشتر جنبه انفعال و تأثیرپذیری از محیط را دارد و در حقیقت نوعی بازتاب است. با این وجود، تکوین و پیدایش اعتقادات و توأم آن، بستگی به نوع بینش و جهان‌بینی‌ای دارد

که در خانواده حاکم است. علی علیه السلام می فرماید: « إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ؛ صفحه دل نوجوان همچون زمین مستعدی است که هیچ گیاهی در آن نرویده و آماده هر نوع بذر افشانی است. » (۶)

سنگ بنای اولیه ایجاد رغبت و انگیزه در گرایش کودک به اعتقادات و متصف شدن وی به مناظ و ملاک اخلاقی، از نام و نام گذاری آغاز و در طول فرآیند رشد با تقلید، تقویت و با تشویق استمرار یافته و از مرحله نوجوانی به بعد براساس عقل و تفکر در عمق وجود فرد قوام می یابد. والدین باید برای فرزندان خود در راه سکونت، نامی نیکو انتخاب کنند.

پیامبر اسلام (ص) می فرماید:

وظیفه پدر نسبت به فرزندش آن است که او را نیکو نام گذارد و به نیکی تربیت کند و به کاری شایسته بگمارد. توانایی کودک است و برایش مسیر است، از او بپذیرید و آنچه انجام دادنش برای کودک دشوار و طاقت فرساست، از او نخواهید و او را به گناه و طغیان و کارهای احمقانه وادار نکنید.

با توجه به ارزش و قداست خانواده در می یابیم که: خانه، اولین مدرسه تربیت اخلاقی و دینی است و کودک به تدریج بر اساس مشاهدات روزمره، پایه های اخلاقی خود را پی ریزی می کند. در محیط خانه کودک تعالیم خوب و بد را فرا گرفته و زیربنای اخلاقی او شکل می گیرد. کودک مثال نهال تازه ای است که هر طور او را پرورش دهیم، رشد می کند و نیز آنچه را که بطور منظم در محیط خانه می بیند، نسبت به آن انس پیدا می کند. مشاهده آداب دینی و عبادات مذهبی بویژه نماز که در شبانه روز بطور منظم از طرف بزرگترها در محیط خانه رخ می دهد، در ذهن و روان کودک نقش می بندد.

با توجه به حس تقلید کودک، مشاهده می شود که او با شروع سال دوم زندگی، از حرکات والدین تقلید می کند. اگر انجام این حرکات با نوازش و تشویق والدین همراه باشد، بر رغبت کودکان می افزاید. وقتی مادر چادر نماز بر سر می گذارد و به نماز می ایستد، دختر ۴ ساله دوان دوان به سراغ چادر یا روسری خود رفته و آن را بر سر می کشد و مانند مادرش به رکوع و سجود می رود.

اگر مادر پس از اتمام نماز یک شکلات یا هدیه به کودک دهد، سبب تقویت روحیه نماز خواندن در کودک می شود. وقتی کودک بزرگتر می شود، از رفتن به کلاس های مذهبی ای که بصورت قصه و زبان ساده دین را توضیح دهد، استقبال می کند. بنابراین به والدین توصیه می شود زندگی انبیاء و داستان هایی در مورد نماز را برای کودک بازگو کنند.

وقتی کودک خردسال بر اساس تقلید و الگوبرداری از والدین و دیگران، خود به رکوع و سجود می رود و حرکات و افعال یک نماز گزار را انجام می دهد و بر اثر تقویت و تشویق، میل و گرایش به نماز در او نیرومند می شود، می توان اقامه نماز به صورت جماعت را در او قوت بخشید. والدینی که اهل عبادت و نماز هستند، مواقعی که اقوام دور هم جمع می شوند، نماز را به جماعت در خانه برگزار نمایند و با خوش رویی، فرزندان خود را به نماز دعوت کنند. به تدریج این فرضیه را می توان از منزل به مسجد محل کشانید و بدین ترتیب است که خانواده به نحو احسن می تواند فرزند خود را در گرایش به نماز یاری و کمک نماید.

قرآن می فرماید: "ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر". "نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می دارد." (۷)

در جای دیگر می فرماید: "اقم الصلاة لذكركى". "نماز را برای یاد و توجه من به پا دار." (۸)

و در جای دیگر می فرماید: "وانما للكبيره الاعلى الخاشعين". "نماز بار سنگینی است مگر برای افراد خاشع." (۹)

پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله فرموده اند:

"رکعتان من عالم خیر من سبعی رکعه من جاهل". "دو رکعت نماز عالم، بهتر از هفتاد رکعت نماز جاهل است."

در حدیث است: "نماز را در وقتش چنان بخوان که گویا آخرین نماز توست و تو بعد از نماز با دنیا خدا حافظی می کنی." (۱۰)

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

"لاقربه بالوافل اذا اضرت بالفرائض". "هرگاه نمازی مستحب به نمازهای واجب ضرر برساند، آنگونه عبادت موجب قرب به خدا نخواهد بود." (۱۱)

نتیجه اینکه انتقال ارزش‌ها و مفاهیم اعتقادی و مذهبی به کودک، سبک و سیاق مخصوص به خود را می‌طلبد. به عنوان نمونه نمی‌توان در اثبات وجود خدا برای کودک ۱۰ ساله، اصل علیت (برهان استدلالی) را ارائه نمود؛ زیرا او هنوز به مرحله هوش انتزاعی نرسیده تا بتواند درک نماید و همچنین انجام فرایض مذهبی از جمله نماز که امروزه روشی را می‌طلبد که در خور سن و سال کودک باشد.

نقش زن در گرایش خانواده به نماز

زن شاهکار خلقت از نظر رمز و رازهاست. عامل سکون و آرامش است. خانه‌ای که زن در آن نباشد مکانی سرد و خاموش است. او می‌تواند روح دین و معنویت را در فرزندان و حتی مردان لایبالی پیرواند. آتشی از محبت خداوند را در دل‌ها برافروزد، روح مناجات و عبادت را در دل‌ها بیدار کند. درس ذکر، خضوع، خشوع و مناجات با خدا را به فرزندان بیاموزد.

بی‌پرواترین شوهران، آزاردهنده‌ترین مردان، دل‌درگرو همسر دارند. مغرورترین فرزندان، بی‌بند و بارترین نوجوانان و جوانان در برابر عواطف مادر یا همسر زانو می‌زنند. مادران نخستین جرقه نور را در ذهن فرزند می‌زنند، نخستین چراغ آگاهی را پیش پای فرزندان قرار می‌دهند و این اثربخشی‌ها به ندرت از میان رفتنی هستند. حضرت امام حسین (ع) در برابر تبعیت خواهی دشمن فرمود دامنی که در آن تربیت شده به او اجازه قبول ذلت نمی‌دهد.

پدران در خانه نقشی همچون مبلغان و هادیان و مادران نقش مجریان را دارند. مادر اکثر اوقات در محیط خانه است و همه حالات عملکردها و اتخاذ مواضع او برای فرزندان درس تلقی می‌شود.

مادر جلوه‌های ارتباط با خدا، را به کودک نشان می‌دهد. مادر برای او مرجع، منبع و معلم دائم الحضور و مهربان است. زن در امر تربیت فرزند برای نمازگزار و تجسم و حضور آن در خانواده نقش اساسی دارد.

طفل اغلب در کنار مادر است - وابسته به او و همراه اوست - مادر در برابر دیدگان متعجب کودک به نماز می‌ایستد، کودک قیام و قعود، رکوع و سجود، قنوت و دست برافراشتن به سوی آسمان مادر را می‌بیند، ذکرهای او را می‌شنود و بدان آگاه می‌شود. حتی در مواردی ادای آن حالات را درمی‌آورد.

اسلام در تربیت دینی فرزندان دستور می‌دهد طفل را از حدود سه سالگی دعوت کنید که با شما در نماز همراه شود و ادای شما را در آورده. ممکن است کودک در حین نماز از شما دور شده و ترک نماز کند و او را در چنین حالتی مورد بازخواست نباید قرار داد. بار دیگر وقت نماز از او بخواهید با شما همراه شود تا به تدریج بدان عادت کند.

مردان نیز در بعد الگویی برای فرزندان نقش اساسی دارند، ولی نقش مادر در این امر بیشتر است و این موضوع به خاطر موارد زیر می‌باشد:

۱- رابطه خونی و وراثتی بیشتر مادر با فرزند بویژه که پایه های رابطه خونی، از طریق حمل شیردهی بیش از ۲/۵ سال است. رابطه انس و محبت مادر که مادری همیشه به معنی مهرورزی و عاطفه داری است .

۲- رابطه کلامی که نخستین کلمات از زبان مادر وارد ذهن کودک می شود. رابطه تفهیم و تفاهم با سخن، با کنایات و اشارات که بیشتر از سوی مادران است .

رابطه نیازمندانه که مادر برآورنده نیازهای اساسی فرزندان و در واقع بنده پرور است. رابطه پذیرش و تکریم و ابراز محبت در قالب بوسیدن، نوازش کلامی و نوازش بدنی. رابطه محرمیت در رازگویی و رازداری که کودک با مادر بیشتر مأنوس است .

۳- رابطه سختیت در همزبانی، همدلی و همبازی بودن طفل با مادر . رابطه کثرت حضور و مداومت در حضور که بیشتر از آن بحث شد. رابطه خیرخواهی، صدق و صفا و انس که موجب باور و یقین بیشتر است .

در سر جمع، این عوامل سبب می شوند که نقش مادر در اقامه نماز بسیار و بسیار شود. زنان می توانند به هدایت نسل نوجوان و جوان پردازند و حتی جوان خود را که سال و سنی بر او نگذشته است، تحت تأثیر و نفوذ خود قرار دهند .

زنان می توانند در همسران مختلف و غیرعابد خود نیز مؤثر باشند و او را به راه دین و خدا و اعتقاد به معاد بکشانند. مردان گریزپایی در جامعه وجود دارند که همسرشان آنان را رام کرده و به سوی بندگی خدا سوق داده اند .

بسیاری از مردان دارای شرارت و گریزپایی، دل در گرو همسر دارند و مهر و عاطفه آنان را به نرمش و رامش می کشاند و زن اگر پایبند به دین و مکتب باشد، می تواند شوهر را به سوی خود بکشاند و او را به عبادت ملترزم سازد .

رمز موفقیت آنان در به راه آوردن شوهران به کارگیری زبان لین، درخواست از همسر در مواقع انس و خلوت، صداقت و پاکی زن، جنبه الگویی او در عبادت، استمداد از خداوند در تنفیذ سخن او، تداوم و تکرار نوبه ای زن در این درخواست، ستودن شخصیت شوهر، اعلام این نکته که اگر در نماز نیز با او همگام شود، موجب افتخار بیشتر او خواهد شد، است .

خانواده و اصول آموزش نماز

از نظر قرآن و روایات فطرت انسان، اسلام و کلیات آن را پذیرا است. یعنی، «اسلام» و «کلیات قوانین» آن در سرشت انسان نهفته است. از این رو، اگر شخصی از «اسلام» و «کلیات» آن منحرف شود نخست پدر و مادر و در وهله ی دوم معلمان و در مرحله ی سوم محیط و جامعه در انحراف او مقصرند. زیرا، قرآن می فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (۱۲)

و نیز «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبَوَاهُ يُهَيِّدَانَهُ وَيُنصِّرَانَهُ (او يُمَجِّسَانَهُ)» (۱۳)

«هر کودکی بر فطرت خود (که اسلام است) متولد می شود. و والدین او هستند که او را «یهودی» و «نصرانی» یا «مجوسی» می کنند»

یعنی گرایش به اسلام در فطرت هر کودکی که چشم به جهان می گشاید نهفته است و اگر پس از آن، «یهودی» یا «نصرانی» و یا «مجوسی» بشود، پدر و مادرند که این انحراف از فطرت را سبب شده اند. پس، هر طفلی بر مبنای فطرت اسلامی متولد می شود و بنابراین، باید روح سالمی داشته باشد. چنانچه در کودکی، روان

ناسالم و منحرفی از فرزندان خویش مشاهده کنیم، نشان از کوتاهی والدین دارد، که از راه وراثت، تغذیه یا تربیت بدانها ستم کرده اند.

به هر حال، سعادت و شقاوت فرزندان به پدر و مادر بستگی فراوانی دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (۱۴)

«بدبخت کسی است که در شکم مادر گرفتار شقاوت شود و خوشبخت کسی است که در شکم مادر سعادت‌مند باشد». از این رو، اسلام برای جلوگیری از پیدایش نسلهای فاسد و ناقص از نظر جسمی و خاصه از نظر روانی، تعالیم لازم و سودمند بجای گذاشته است که اگر این تعالیم به مرحله ی اجرا گذاشته شود، کمتر انحرافی پیش می آید. زیرا، زمینه ی بروز گناه بسیار ضعیف می شود و چنانچه فرزندی با وجود رعایت تعالیم اسلامی از سوی پدر و مادر منحرف شود، تنها خود مقصر خواهد بود.

نهاد خانواده برای تربیت دینی فرزندان پتانسیل بسیار بالایی در خود دارد خداوند این حیات دو نفره را به گونه‌ای قرار داده است که اگر قواعد و اصول مبتنی بر قابلیت‌های درونی آن به درستی شناخته شود و اصول تربیتی و یادگیری نیز مورد استفاده قرار گیرد اقدامات بسیار موثری را در خصوص تربیت دینی به طور عام و آموزش نماز به طور خاص می‌توان به انجام رساند.

۱. استفاده از انرژی مثبت درون خانواده

در درون خانواده سرمایه عاطفی و انرژی مثبت زیادی قرار داده شده است. با بهره‌برداری از آن خیلی از برنامه‌های تربیتی را می‌توان به اجرا در آورد. این مسئله وقتی انجام می‌شود که مادر بتواند بین خود و فرزند، صمیمیت بسیار فراتر و ریشه‌دارتر از صمیمیت‌های تولید شده در سایر ارتباطات در زندگی به وجود آورد.

وقتی مادری در یک فضای مدیریت شده عاطفی به دختر خود یا پسر خود می‌گوید: دخترم یا پسرم چند لحظه می‌آیی پیش من؟ این جمله یک فضای روانی و عاطفی خاص در فرزند به وجود می‌آورد به نحوی که آمادگی او را برای پذیرش برخی از انتظارات والدین فراهم می‌نماید.

در چنین فضای عاطفی اگر یکی از والدین در مورد نماز یا نمازخوان‌ها موضوعی را و یا قصه‌ای را شرح می‌دهد به احتمال قوی باتوجه به استماع موثر از ناحیه فرزند مواجه خواهد شد. بدون تردید اگر فردی با علاقه به چیزی گوش بدهد و گوینده نیز محبوب او باشد کلام در او تاثیر گذاشته و زمینه عمل کردن به آن نیز فراهم می‌شود. پس والدین باید این قدرت عاطفی پنهان در خانواده را بپذیرند و به درستی از آن استفاده کنند.

۲. تناسب پیام و انتظار با شرایط سنی فرزند

هر گروه سنی به مثابه پیمانهای است که بیش از ظرفیت خود پذیرای محتوای اضافی نمی‌باشد. قبل از هرکسی خود خداوند متعال در تربیت دینی انسان‌ها در طول تاریخ این موضوع را با عمل مطلق خود رعایت کرده است. فلسفه بعثت انبیا و انزال کتب به طور تدریجی ریشه در این محدودیت ذاتی بشر دارد. مریبان و والدین بدون رعایت این اصل نمی‌توانند پیام‌های خود را به کودکان و نوجوانان بقبولانند.

آموزش نماز مانند سایر مسائل تربیتی به شرط قبول متربی اثربخش است لذا از جمله مسائل اساسی که والدین باید از خود بپرسند و پاسخ آن را از منابع معتبر به دست آورند آن است که: «فرزند دوره ابتدایی من، دارای کدام علایق و چه توان ذهنی است؟» و «آیا اینکه «فرزند نوجوان من مطابق یافته‌های روانشناسی و آموزه‌های دینی، کدام ویژگی‌های را داراست؟»

اینها سوالات مبنایی برای هر پدر و مادر است. وقتی که فهمید در دوره کودکی "دیدن" بیش از "شنیدن" کار ساز است در پیام‌های مربوط به نماز نیز عمدتاً از رفتار و عمل بهره می‌گیرد تا حرف و گفتار.

۳. رعایت استمرار و مداومت

تعلیم و تربیت با اقدامات قطعی و گسسته از هم تحقق پیدا نمی‌کند. خداوند آدمی را طوری آفریده است که باید اقدامات تربیتی به طور مرتب و مستمر بر او اعمال شود تا در متری نهادینه گردد. علت تکرار انجام دستورات دینی در طول روزها و ماه‌ها و سال‌ها نیز در این ویژگی آدمی نهفته است لذا خانواده برای تربیت دینی و تقویت روحیه نمازخوانی در فرزند باید برنامه داشته باشد و این برنامه به طور مداوم اجرا شود. البته معنای مداومت، آن نیست که با تکرار ملال‌آور خواسته‌های خود، روح او را آزرده کنیم و شیرینی عبادت و نماز را در کام او تلخ نماییم. خیلی از جنبه‌های مداومت می‌تواند نامرئی و غیر مستقیم باشد. به طور مثال هر بار سجاده نماز را جلوی دیدگان فرزند خردسال پهن می‌کنیم تا او را نسبت به نماز علاقه‌مند کنیم. اگر این عمل را به برنامه هر روز خود تبدیل کنیم خواهیم دید که اثر خود را خواهد داشت اصولاً اتصال و ارتباط با روح و روان کودک را نباید رها کرد.

۴. ارتباط خانه و مدرسه

ارتباط خانه و مدرسه از لوازم غیرقابل اغماض در تربیت دینی است. ضرورت این ارتباط را ویژگی توحیدی تربیت به وجود می‌آورد. تربیت به طور ذاتی به وحدت و یکپارچگی همه نهادهای تربیتی و بخصوص دو نهاد خانه و مدرسه محتاج است. به همین دلیل برنامه‌های آموزش نماز در خانواده باید از طرف آموزش و پرورش حمایت شود. چگونه ممکن است یک کودک در مدرسه به طرق مختلف پیام‌های مربوط به نماز را دریافت کند ولی در خانواده چنین فضایی نباشد و او نمازخوان پرورش یابد؟

از جمله اقداماتی که در این مورد می‌توان انجام داد آن است که والدین از طریق مدرسه در جریان کامل محتوای آموزشی کتاب‌های درسی درخصوص نماز قرار گیرند و در منزل نیز در راستای آن محتواها به تقویت رفتار فرزندان خود بپردازند.

۵. رعایت اعتدال

پرهیز از افراط و تفریط قاعده اساسی زندگی است. از طریق رعایت میانه‌روی به معنای واقعی کلمه می‌توان بهتر به هدف رسید. در تربیت دینی و آموزش نماز نیز از این اصل باید پیروی نمود. علایق گوناگون فرد مستلزم فعالیت‌های متنوع در زندگی است که هر کدام از آنها تاثیر خاص در مجموعه حیات انسان به جا می‌گذارد. نماز با همه قداستی که دارد نباید وقت بازی و یا استراحت کودک و نوجوان را بگیرد. اصولاً نمازی که مزاحم انجام فعالیت‌های طبیعی کودک باشد، نظم تربیتی مطلوب نخواهد داشت. لذا والدین باید با کسب آگاهی از همه جنبه‌های زندگی فرزند خود، آسان‌گیری و اعتدال را مراعات کنند.

۶. عکس‌العمل‌های مناسب در قبال رفتارهای دینی فرزند

عمل و عکس‌العمل مناسب باعث پیشرفت و اصلاح امور در زندگی انسان می‌شود. اگر رفتاری از فرد بخصوص از جانب کودک و یا نوجوان سر بزند ولی پاسخی دریافت نکند آن رفتار منجر به آثار مطلوب نخواهد بود. رفتارهای نامطلوب با عکس‌العمل درست، تعدیل و اصلاح می‌شود و رفتارهای مطلوب از طریق عکس‌العمل‌های صحیح تقویت می‌گردد. در مورد نماز نیز از همین قاعده باید پیروی کرد.

قابل ذکر است که عکس‌العمل صرفاً به تشویق و یا تنبیه محدود نمی‌شود ممکن است عکس‌العمل مربی یک تذکر مفید باشد، تذکری که نه تشویق است نه تنبیه، ولی اثر مفیدی در رفتار فرد دارد به عنوان مثال وقتی که پدر یا مادری به فرزند

خود که تداوم در نماز خواندن ندارد در مورد "الذین فی صلاتهم ساهون" توضیح مختصری به تناسب درک او بدهد در قالب این نوع تذکرها قرار می‌گیرد.

روش‌های موثر

آنچه که در قالب اصول، توضیح داده شد باید‌ها و نبایدهای حاکم بر رفتار مربی یا مربی است که در جمیع شرایط و در همه اقدامات تربیتی قابل اجراست. اکنون چند روش کاربردی که والدین می‌توانند با به کارگیری آنها اثر مثبت در وجود فرزند خود به جا بگذارند توضیح داده می‌شود. (۱۵)

۱. روش الگویی

اگر در محیط خانواده فرهنگ نماز گسترش و ژرفا یابد، اگر ترنم نماز فضای خانه را معطر کند اگر فرزندان پدر و مادر را به قصد نماز بیابند بی‌هیچ تردید آنان نیز الگوی خویش را از خانواده خواهند گرفت و انس و الفت با نماز خواهند یافت که ره‌آور آن پرهیز از فحشا و منکر و گریز از آلودگی و همسایگی با پاکی و تهذیب صفا و صداقت خواهد بود. اگر اعضای خانواده همه با یکدیگر به اقامه نماز پردازند و همه به وحدت درونی دست یابند در بیرون نیز با یکدیگر همگونی و هماهنگی خواهند داشت و موجبات آرامش روانی را برای آنان در پی خواهد داشت زیرا نه در جامعه با یکدیگر تضادی دارند و نه والدین با فرزندان خویش اختلاف اساسی و جدی خواهند داشت. تجارب تربیتی و مهمتر از آن دلالت‌های دینی حاکی از آن است که "فعل پدر و مادر" تأثیری فراوان در تقویت روحیه و انجام فرائض دینی از جمله نماز در فرزند به جا می‌گذارد. زیرا اصولاً خداوند انسان را طوری آفریده که از اسوه‌ها و یا نمونه‌های عینی اثر می‌پذیرد. قول والدین مکمل فعل است اما هیچ کدام جای دیگر را نمی‌گیرد. منتهی هریک در موقعیت مناسب باید به کار گرفته شود، زیرا قول گسسته از فعل، تأثیر گذار نیست. (۱۶)

۲. فضاسازی معنوی

فرزندى که در خانواده‌ای لبریز از ذکر و یا در محبت خدا به دنیا می‌آید هیچ‌گاه نیازی ندارد که آموزش ویژه برای نماز ببیند. زیرا از همان آغاز تولد در گوشش اذان و اقامه می‌گویند و او را به "صلوه" و "فلاح" و "خیرالعمل" دعوت می‌کنند. در خانه‌ای که مشحون از ذکر خداست فرزند نیز با این ذکر پرورش می‌یابد و دلی که با ذکر حق تعالی، جلا یابد هرگز از منبع قدرت لایزال الهی نمی‌گریزد و "انس" با خدا را در "ذکر" با خدا می‌یابد. در خانه‌ای که با والدین به مناجات شبانه بر می‌خیزند و اهل خانه همگی معتقد و مقید به آداب دینی هستند چگونه ممکن است فرزندشان گریزان و روی گردان از خدا باشد؟

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا سوال کرد: یا رسول‌الله! دانستیم که چگونه خود را از آتش جهنم نگاه داریم؟ با انجام واجبات و پرهیز از محرمات! اما ندانستیم که فرزندان و خانواده خود را چگونه از آتش جهنم حفظ کنیم؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند:

۱- اعملوا الخیر: خود عامل عمل خیر باشید.

۲- واذکروا هم بالله: یاد خدا را در دل‌هایشان زنده کنید.

۳- و امروا هم بالمعروف: (این گونه نباشید که آنها را رها کنید، بلکه با رفق و مدارا و ملایمت) آنها را به معروف هدایت و راهنمایی کنید.

۴- و انهيهم عن المنكر: (آنها را در میان امواج متلاطم دنیا رها نکنید بلکه) از آنچه او به فساد و تباهی می کشد منع و بازدارید.

وقتی فرزند براساس محبت خود به نماز ایستاد، آن وقت است که نمازش معنا پیدا می کند چون که نماز بدون محبت، اگر در طریق وصول به معنا نباشد، سودبخش نیست.

وقتی فرزند توجه لازم را داشت، آرام، آرام، آرام به این کار انس می گیرد. لطف خدا را در نماز در می یابد و پرده غفلت برای او کنار می رود.

امام سجاده (ع) می فرماید: وظیفه پدر و مادر این است که فرزندان را دلالت به خدا کنند (توجه به خدا) که اعم از نماز خواندن است. اینکه از همان سه سالگی امر به سجده کردن فرزند نماید و سپس کلمه "لا اله الا الله" را به او بیاموزد و باملاطمت و آرامی او را در سن هفت سالگی آموزش نماز دهند تا او در ۹ سالگی بتواند با وضو نماز بخواند.

۳. پاسخ به کنجکاوی های کودک به عنوان یک فرصت

کنجکاوی کودک یک ویژگی طبیعی اوست که پاسخ آن ضمن ایجاد آرامش روحی و روانی کودک، فرصت مناسب در اختیار والدین قرار می دهد تا بتوانند رفتارهای مناسب و مطلوب در او به وجود آورند براین اساس وقتی که فرزندان از مادر در مورد مسائل اعتقادی و نماز می پرسند فرصت مناسب برای ما به وجود آورده اند تا بتوانیم با پاسخ های مناسب و یا طرح سوالات موثر در او اثر تربیتی بگذاریم.

به عنوان مثال وقتی که فرزندی از پدر یا مادر خود سوال می کند:

- این میوه چقدر شیرین و خوشمزه است، از کجا آمده و یا درست شده است؟

- این ماهی چگونه در آب زندگی می کند و نمی میرد؟

- این آسمان و ستاره های زیبا را چه کسی آفریده است؟

و هزاران سوال دیگر، به همین شکل که همه ناشی از حس کنجکاوی کودک است. از طریق همین سوال ها با همان زبان کودکان که مناسب دریافت اوست می توان او را به سازنده و خالق رهنمون کرد. به او در مقابل همه این داده ها و نعمت ها آموخت که چگونه باید تشکر و قدردانی کرد و به نماز به عنوان یکی از شیوه های تشکر کردن اشاره نمود.

۴. حضور در مجامع و محافل نماز

مشاهدات انسان یکی از عوامل موثر در تربیت انسان است. قرآن در آیات متعدد انسان ها را به "دیدن" و "فکر کردن" دعوت می کند. بین "دیدن" و "باور کردن" رابطه مستقیم وجود دارد.

نحوه نماز خواندن، چگونگی نگرش اطرافیان نسبت به این فریضه الهی، حالت ایستادن به نماز، تأنی و ادب و وقار در نماز خواندن، حضور قلب در نماز و توجه و خضوع و خشوع افراد خانواده، در کودکان بسیار تأثیر می گذارد. وقتی که کودک نسبت به رفتار و نحوه حرکات و حرف زدن والدین و اطرافیان کنجکاو می شود، باید توجه داشت که کنجکاوی وی بی هدف و بی نتیجه نیست، بلکه متضمن الگوگیری و مشارکت فعالانه او به صورت تجربه ای جدید در فرازهای حساس زندگی است.

باید کاری کنیم که فرزند ما با صحنه های گوناگون اقامه نماز و آماده شدن برای اقامه نماز مواجه شود. شرکت در نمازهای جماعت مسجد محله، شرکت در نماز جمعه و موارد مشابه به آن می تواند در تقویت روحیه نمازگزاران فرزندان ما موثر باشد.

۵. ایجاد ارتباط بین زیبایی و نماز

انسان یک موجود زیبا دوست است و به دنبال زیبایی‌ها می‌رود و این ویژگی را خداوند در وجود آدمی قرار داده است بخصوص کودک و نوجوان که بیش از بزرگسالان زیبایی‌ها را می‌بیند و دوست دارد. سکوت، عصبانیت، رفتار، نگاه و سخن پدر و مادر و اطرافیان، برای کودکان سر مشق و امال بجای هر کدام، سبب ارضای نیاز و اغنای گرایش فطری آنهاست. آنان پیوسته می‌آموزند و نسبت به هر چیز کنجکاوند. خانواده باید تلاش کند تا آموخته‌های مذهبی آنان با تجارب و احساسات خوشایندی شکل بگیرد. سعه صدر، ابزاز احساس خرسندی و روحیه رضایتمندی، گرایش به این احساسات مذهبی را برای کودکان گوارا می‌سازد. بر این اساس، زیباترین و خوشایندترین حالات و اوقات کودکان و نوجوانان در خانواده زمانی است که پدر و مادر آماده اقامه نماز می‌شوند، آنگاه که کودک همه شادی و نشاط را در چهره برافروخته و شادمان اطرافیان خویش مشاهده می‌کند، یعنی به هنگام وضو گرفتن و جا نماز انداختن و معطر ساختن لباس نماز و خود را به زیباترین شکل آراستن و گوش فرا دادن به آوای دلنشین قرآن و اذان که نسیم آرامش بخشی در کالبد افراد می‌دمد و روح چون پرنده‌ای که از بند و قفس آزاد شود، در فضایی ملکوتی بال و پر می‌گشاید و به سوی محبوب حقیقی اوج می‌گیرد. خانواده‌ها می‌توانند بسیاری از رفتارهای مطلوب و احساسات خوشایند و دوست داشتنی خود را به طور غیر مستقیم در قالب ارزشها و احکام دینی و از طریق بهره‌گیری از الگوهای رفتاری، در وجود کودکان و نوجوانان تثبیت نمایند. هر قدر والدین بتوانند زیبایی‌ها را با نماز خواندن پیوند بزنند، به همان اندازه موفق‌تر خواهند. در هر حال هنر والدینی که می‌خواهند نیاز درونی فرزندان را به پرستش خدا شکوفا و هدایت کنند این است که زیباترین شکل و شیواترین آموزش‌ها باید با رغبت‌های فراگیران همخوانی داشته باشد تا آموزش‌ها “نهاده‌ینه” گردد.

نتیجه‌گیری

نماز رکن اصلی دین است و باید اصلی‌ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد. حیات طیبه انسان در سایه حاکمیت دین خدا، وقتی حاصل می‌شود که انسان‌ها دل خود را با یاد خدا زنده نگهدارند و به کمک آن بتوانند با همه جاذبه‌های شر و فساد مبارزه کنند و همه بتها را بشکنند و دست تظاول همه شیاطین درونی و برونی را از وجود خود قطع کنند. این ذکر و حضور دائمی فقط به برکت نماز حاصل می‌شود. نماز در حقیقت پشتوانه مستحکم و ذخیره تمام نشدنی در مبارزه‌ای است که آدمی با شیطان نفس خود که او را به پستی و زبونی می‌کشد، دارد.

کودکان امانت‌های الهی هستند که در دست والدین خود قرار دارند. پس برای حفاظت از آنها از فسادها و انحرافات فردی و اجتماعی، باید آنها را به دستاویزی محکم متصل نمود. اعمال عبادی باعث می‌شوند که کودک در برقراری روابط اجتماعی نیز موفق باشد. اگر نماز را به خوبی در وجود کودک رشد دهیم، حالات مذهبی در او پایدار می‌شوند. رفتارهای عبادی باعث می‌شوند تا روح کودک قانع شود و از انجام نماز به لذت روحی خاصی برسد. این لذت ممکن است گاهی اوقات با دیدن نماز دیگران نیز بروز کند، چرا که امام حسین (ع) بارها و بارها از عبادات مادر خود لذت می‌برد و اگر از همان دوران طفولیت کودک شروع به خواندن نماز نماید، این فریضه در وی ملکه می‌گردد و تا آخر عمر به ادای این فریضه ادامه خواهد داد و بیمه او در تمامی عمر از فحشا و منکر خواهد بود.

پس اگر برپایی این فرضیه بصورت آگاهانه در زندگی استمرار یابد می‌توان انتظار داشت که جامعه از وجود افرادی شایسته و به کمال رسیده بهره‌مند است و چون نماز فرضیه‌ای است که روزانه در چند نوبت انجام می‌شود فرد نمازگزار با ذکر و

یاد خدا و رعایت شرایطی زمینه های تربیت فردی و اجتماعی مهیا می شود. نماز موجب مداومت شبانه روزی یاد خداست و فرد نمازگزار علاوه بر طهارت ظاهری و جسمانی برای طهارت باطنی و درونی نیز تلاش می نماید. روابط خود را با دیگران بر پایه های صحیحی استوار ساخته از دروغ، غیبت و سایر رذایل اخلاقی دوری جوید و به این ترتیب هم فرد و هم جامعه در اثر برپایی مداوم و آگاهانه نماز در مقابل سختی های روزگار نه تنها خود دچار انحرافات اخلاقی نمی شود، بلکه دیگران را نیز از افتادن در دام کج روی ها و انحرافات باز می دارد.

پیشنهادات (شیوه های آشناسازی و تقید کودکان به نماز)

- ۱- یادآوری نعمتهای خدا
- ۲- پاسخ به پرسش های مذهبی
- ۳- زمینه سازی برای خودیابی، خودسازی
- ۴- استفاده از شور و هیجان مذهبی و نشان داده صحنه های مهیج مذهبی
- ۵- عدم تحمیل عقیده اگرچه تحمیل در عمل باشد
- ۶- اجتناب از امر به معروف و نهی از منکر شدید
- ۷- در آموزش و ایجاد رفتار بر پاداشن نماز و احکام آن، ویژگی های رشد و تحول روانی (عاطفی، شناختی) و جسمی کودک را در نظر گرفته تا مفاهیم نماز برای کودکان شاق و سخت جلوه نکند و نماز تداعی سختی ها نباشد.
- ۸- در آموزش نماز و احکام مربوط به آن از مجبور کردن کودکان به انجام مستحبات پرهیز و به واجبات اکتفا کنید.
- ۹- در معرفی نماز، معاد، توحید، خداوند و ... ویژگی های مثبت، مظاهر رحمت را بیان کنید، و از کلماتی که بار منفی دارند پرهیز کنید و به جای آن از کلمات مثبت، انرژی بخش و مودبانه و به شکل غیر مستقیم استفاده کنید مثل رضای خدا، خشنودی خدا و ائمه و شاد.
- ۱۰- در آموزش نماز و احکام آن با عجله، اشتباهات کودک را متذکر نشوید اجازه دهید تا با راهنمایی شما خودش به اشتباهاتش پی ببرد. این کار باعث تقویت مهارت های خود اصلاح گری و خود کنترلی کودک می شود.
- ۱۱- جهت ایجاد علاقه و روحیه پرسشگری، کودک را به محیط های مرتبط با نماز ببرید و درحالی که در مورد مسائل نماز صحبت می کنید و نماز اقامه می کنید خاطرات شیرین برای او تعریف کنید خوراکی خوشمزه تهیه و او را متوجه مظاهر زیبا مثل معماری، قلم زنی و ... مساجد کنید.
- ۱۲- گر هر چند یک بار کودک را با خود به مسجد محله برده و در ماه های اول به او اجازه دهید یکی از اسباب بازی های خود را با خود به مسجد ببرد.
- ۱۳- اگر کودک در ارتباط با نماز رفتار مثبتی نشان داد سریعاً کودک را تقویت نمود، و علت تقویت را برای کودک شرح داد.
- ۱۴- از کودکان زیر ۸ سال، انتظار اقامه نماز یومیه را به طور کامل نداشته باشید، آن ها را فقط با شکل ظاهری نماز آشنا و نماز را برای کودکان به عنوان یک فریضه اختیاری نه تکلیف اجباری معرفی کنید.
- ۱۵- در موقع بازی و ورزش، دیدن تلویزیون و سایر فعالیت های مورد علاقه کودک، به بهانه اقامه نماز، کودک را از اینگونه فعالیت ها محروم نکنید. اجازه دهید ورزش، بازی و تفریح کودک تمام شود، سپس مساله نماز را مطرح کنید.

- ۱۶- موقع اقامه نماز و انجام دعا و نیایش و صحبت در مورد نماز در حضور کودکان گریه و زاری نکنید. گلایه از خداوند، گریه و زاری نمودن را در حضور کودکان انجام ندهید؛ زیرا نماز تداعی گر خاطرات ناراحت کننده برای کودکان می شود.
- ۱۷- والدین باید به اولین ها مثل تقلید کودکان از نماز والدین، اولین حضور کودک در مسجد، اولین توجه کودک به سجاده، اولین بار که از چادر نماز استفاده می کند توجه خاصی مبذول دارند. زیرا اولین ها اثر ماندگار در ذهن دارد، والدین باید تجارت کودکان در مورد نماز را با تقویت های مادی و اجتماعی (مثل خریدن کادو و هدیه) همراه کنند.
- ۱۸- عکس اقامه نماز شخصیت های معروف و مورد علاقه کودکان مثل عکس یک فوتبالیست در حال اقامه نماز یا عکس یک مجری تلویزیون یا هنرپیشه در حال نماز را جمع آوری و در آلبوم عکس کودک نگهداری کنید.
- ۱۹- عکس کودک را در حال اقامه نماز گرفته، بزرگ کنید و قاب بگیرید و در یکی از اتاق های منزل یا اتاق کودک نصب کنید. این عکس می تواند عکس کودک (در حال اقامه نماز) و در کنار دوستان یا اعضاء خانواده یا عکسی باشد که به تنهایی از نماز خواندن کودک گرفته شده باشد.
- ۲۰- محیط منزل را از محرکات دیداری و شنیداری مربوط به نماز پر کنید. مثل سجاده، مهر را در معرض دید کودک قرار دهید موقع اذان صدای رادیو و تلویزیون را زیاد کنید. در حضور کودک وضو بگیرید.
- ۲۱- شکل ظاهری و رنگ سجاده را از رنگهای شاد و روشن انتخاب و در مراحل اولیه جهت جذب و توجه دادن کودکان به سجاده از سجاده ای استفاده کنید که عکس یک تصویر کودکان روی آن گلدوزی شده باشد بدلیل کراهت برای بزرگسال تنها در دوران کودکی جهت ایجاد و شکل دهی اولیه استفاده شود.
- ۲۲- داخل سجاده کودک یک عطر کوچک یا اسباب بازی کوچک که مورد علاقه اوست قرار دهید تا کودک هنگام نماز خواندن سجاده بوی خوش، از آن استشمام و آن اسباب بازی را ببیند و شاد شود.
- ۲۳- والدین در حضور کودکان نماز را اقامه، ذکرها را شمرده و با اغراق (با لبهای باز) قرائت کنند تا کودکان محل خروج صداها و ذکرهای نماز را در لب ها مشاهده و با آن آشنا شود.
- ۲۴- چند دقیقه قبل از نماز یا بین دو نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء با دادن شیرینی و شکلات و نیز بیان خاطرات شیرین و لطیفه موقع اقامه نماز، کودک را ببوسید و از واژه های مثبت جهت تشویق کودک استفاده کنید. مثلاً بگوئید ماشاءا... آفرین پسر گلم، آفرین دختر خوبم
- ۲۵- در مراسم به یاد ماندنی مثل جشن تولد، اعیاد ملی و مذهبی، عروسی ها و عقدها و مهمانی های خانوادگی که همه خوشحال هستند، اشاره مستقیم و غیر مستقیم به نماز داشته باشید.
- ۲۶- والدین همراه با لباس زیبا و چهره شاد و عطر زده و مرتب نماز را برپا دارند تا کودکان رفتار والدین را الگوگیری کنند تا نماز، تداعی گر خاطرات شیرین و مثبت شود.
- ۲۷- با بیان واژه ها و سازه های ذهنی و انتزاعی مثل جهنم، بهشت، معاد و ... ذهن کودک را تحریک نکنید. اگر هم کودک در این موارد و در مورد احکام از شما سوال نمود با استفاده از مصادیق عینی و ملموس که قابل تشبیه به زندگی مادی است این مفاهیم را تهیه کنید.
- ۲۸- عمل نماز خواندن را با خاطرات شیرین همراه کنید.

منابع

- ۱- و من اعرض عن ذکری و ان له معیشه ضنکا، سوره طه، آیه ۱۲۵.
- ۲- نماز در سیمای خانواده، جمعی از نویسندگان.
- ۳- نماز در سیمای خانواده، جمعی از نویسندگان.
- ۴- خانواده و تربیت دینی، حسن ملکی.
- ۵- خانواده از منظر ارزش‌های اسلامی، غلامعلی افروز.
- ۶- نهج البلاغه (صبحی صالح، صفحه‌ی ۳۹۳)، نامه ۳۱.
- ۷- سوره عنکبوت، آیه ۴۵
- ۸- سوره طه، آیه ۱۴
- ۹- سوره بقره، آیه ۴۵
- ۱۰- بحار الانوار، ج/۸۴، ص/۲۲۳
- ۱۱- (الحیاء، ج/۱، ص/۳۱۸)
- ۱۲- سوره روم، آیه ۳۰.
- ۱۳- سفینه البحار، جلد ۲، ص ۳۷۳.
- ۱۴- سفینه البحار، جلد ۱، ص ۷۰۹.
- ۱۵- زندگی در پرتو ارزش‌ها، حسن ملکی.
- ۱۶- خانواده و نماز، جمعی از نویسندگان.